

رویکرد یکپارچه در مدیریت و حفاظت میراث طبیعی و فرهنگی

مریم کبیری هندی

دانش آموخته محیط زیست، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی منابع طبیعی

دکتر افشین دانه‌کار

Danehkar@ut.ac.ir

دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده‌ی منابع طبیعی

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۸/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۰۶
(از ص ۱۴۷ تا ۱۵۹)

چکیده

میراث بشری در برگیرنده‌ی ابعاد فرهنگی و معنوی است که اغلب با الهام از طبیعت خلق شده‌اند. بنابراین ارتباط مستقیمی میان میراث فرهنگی و طبیعی وجود دارد که با بهره‌گیری از آن می‌توان به یکپارچه‌سازی حفاظت و مدیریت این مواریث پرداخت. اما این اقدام نیازمند ایجاد روش‌شناسی و تعیین معیارهایی برای شناسایی، ثبت، حفاظت و مدیریت یکپارچه این مواریث است. از این رو در گام نخست اتخاذ رویکردی جامع‌نگر در شناسایی مناطقی با ارزش چندگانه ضروری به نظر می‌رسد. برای این منظور می‌توان از رویکرد سیستمی بهره‌گیری نمود و در ادامه برای مکان‌دار کردن اطلاعات موجود کاربرد ارزیابی چندمعیاره‌ی مکانی توصیه می‌شود. از این رو می‌توان ضمن شناسایی معیارهای لازم برای حفاظت یکپارچه‌ی مناطق مناسب این هدف را به وسیله‌ی سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی پهنه‌بندی و اولویت‌بندی نمود. این مقاله نیز به دنبال ارزیابی روش‌شناسی جهت حفاظت یکپارچه‌ی میراث فرهنگی و طبیعت است.

واژگان کلیدی:

حفاظت یکپارچه، رویکرد سیستمی، ارزیابی چندمعیاره‌ی مکانی، میراث طبیعی و میراث فرهنگی.

مقدمه

میراث را می‌توان به عنوان یادگاری از گذشتگان تعریف نمود که انسان هم‌اکنون با آن زندگی می‌کند و سپس آن را به نسل‌های بعد می‌سپارد تا از آن بیاموزند، شگفت‌زده شده و لذت ببرند (Jopela, 2011: 1). لازم است درک شود میراث فرهنگی فقط به آثار تاریخی برخی از مردم یا فرهنگ‌ها اشاره ندارد. هنرهای تجسمی و نمایشی، زبان‌های گوناگون، موسیقی سنتی، نظام‌های فلسفی و معنوی، جشنواره‌ها، آیین‌ها و باورها، طب سنتی، ادبیات، رسوم آشپزی و غیره را نیز می‌توان در زمره‌ی میراث فرهنگی به شمار آورد (Papayanis & Soruto, 2003: 2). در این میان طبیعت از جایگاه ویژه‌ای در میراث فرهنگی ملل برخوردار است؛ زیرا انسان بخشی از طبیعت است و از این روست که فرهنگ‌های بومی در سده‌های گذشته و دانشمندان در سال‌های اخیر به اهمیت توجه به ابعاد بشری محیط زیست پی برده‌اند و شاید به همین دلیل است که بشر طی سالیانتمادی برخی از عرصه‌های طبیعی را تنها بر اساس باورهای فرهنگی و معنوی خود تا زمان حاضر حفاظت کرده است. بنابراین می‌توان چنین استدلال نمود که میراث فرهنگی گریزناپذیری با میراث طبیعی در ارتباط است؛ زیرا طبیعت خاستگاه و الهام‌بخش آن است (Papayanis & Soruto, 2003: 2). از این رو حتی می‌توان مناظر طبیعی هماهنگ و متنوع یک ناحیه همراه با پوشش گیاهی، صخره‌ها، رودخانه‌ها، آبشارها و نظایر آن را که گاه با دخالت انسان تغییر شکل یافته است را جزء میراث فرهنگی محسوب کرد (تومه، ۱۳۷۹: ۶۷). اگر چنین ارتباطی پذیرفته شود می‌توان چنین نتیجه گرفت که میراث طبیعی و فرهنگی را باید به شیوه‌ای جامع مطالعه، نگهداری، تقویت و منتقل نمود (Papayanis & Soruto, 2003: 2).

مطالعات جهانی در حوزه‌ی محیط زیست نشان می‌دهد بوم‌سازگان‌های طبیعی را نمی‌توان بدون شناخت فرهنگ‌های بشری که آنها را شکل داده‌اند درک، حفاظت و مدیریت کرد؛ زیرا که تنوع زیست‌شناختی و فرهنگی متقابل یکدیگر را تقویت نموده و حفاظت از آنها برای تضمین تعادل پایدار در سامانه‌های اجتماعی و بوم‌شناختی ضروری است (Otegui, 2007: 22). سوابق موجود همچنین به حمایت از انواع میراث بشری از طریق شناخت و ارزیابی جنبه‌های طبیعی و فرهنگی، انجام برنامه‌ریزی مدیریتی، اتخاذ رویکردی یکپارچه و ایجاد مجموعه‌ای از ضوابط و مقررات اشاره دارد (Kammeier, 2008: 2).

عرصه‌های طبیعی معنوی نمونه بارزی از حفاظت یکپارچه میراث بشری در جهان محسوب می‌شوند و در برگیرنده‌ی کوه، غار، صخره، رود، دریاچه، علفزار، رویشگاه‌های جنگلی، آب‌های ساحلی و جزایر و دیگر پدیده‌های طبیعی هستند که به دلیل برخورداری از ارزش‌های فرهنگی و معنوی مورد توجه و استفاده انسان قرار گرفته‌اند (Wild & McLeod, 2008: 5).

خاستگاه این عرصه‌ها و رسوم مربوط به آن اغلب در داستان‌ها و افسانه‌های جوامعی قرار دارد که آن‌ها را محترم می‌شمردند. این داستان‌ها در واقع بخشی از روابط پیچیده‌ی میان بشر و محیط زیست است که بیشتر از نگاه احترام‌آمیز انسان نسبت به طبیعت نشأت می‌گیرد. وسعت این عرصه‌ها متفاوت است، آن‌ها می‌توانند شامل تک درخت، ساختارهای صخره‌ای و حتی رشته‌کوه باشد و حتی گاه یک چشم‌انداز کامل نیز ممکن است از سوی جامعه مورد احترام

قرار گیرد. قدمت این عرصه‌ها معمولاً بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ سال است. البته قدمت برخی از آن‌ها به هزاران سال پیش باز می‌گردد و در حقیقت بازتابی از وقایع تاریخی جوامع بومی و ادیان مختلف در سراسر جهان هستند (Wild & McLeod, 2008:8).

با این وجود در زمان حاضر که سال‌ها از نخستین تلاش‌های جهانی و ملی برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی می‌گذرد این موارد جهانی به دلیل دیدگاه‌های یکسونگر در حوزه میراث فرهنگی و محیط زیست، فقدان پشتوانه‌های مدیریتی و قانونی و اغلب به سبب نبود مشارکت مردمی در معرض تهدید و نابودی فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند. با این حال قرابت مکانی، تشابه ساختاری و جایگاه فرهنگی میراث فرهنگی و طبیعی سبب شده است بتوان از یک رویه مدیریتی برای حفاظت توأمان هر دو بهره گرفت. در مواردی پشتوانه‌های قانونی میراث فرهنگی می‌تواند به حفاظت میراث طبیعی کمک کند و در مواردی که میراث فرهنگی طبیعت دستخوش بی‌مهری و غفلت قرار می‌گیرند می‌توان از پشتوانه قانونی میراث طبیعی برای حمایت آنها بهره گرفت. این مطالعه با هدف دستیابی به یک روش‌شناسی مناسب برای حمایت میراث فرهنگی موجود در طبیعت با استفاده از پشتوانه‌های قانونی میراث طبیعی و با توجه به شرایط ایران مورد توجه قرار گرفته است. انگیزه اصلی بررسی از دست رفتن برخی عناصر طبیعی با جایگاه فرهنگی بود که به سبب فقدان حمایت قانونی لازم برای حفاظت، دستخوش آسیب و تخریب قرار گرفت. تشریح برخی مفاهیم برای درک ویژگی‌های کالبدی موضوع و امکان پیوند مدیریتی آنها ضروری است؛ لذا به عنوان مبانی نظری مورد توجه قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

میراث فرهنگی؛ این میراث ردپای انسان در طول تاریخ و حامل پیامی انسانی است. عنصر اساسی که هدف اصلی را در فعالیت‌های میراث فرهنگی تامین می‌نماید حضور انسان است (حجت، ۱۳۸۰: ۸۹). این نوع از میراث بر دو نوع است (توحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱) میراث فرهنگی ملموس و مادی به مجموعه‌ای مظاهر مادی که خارج از وجود انسان تحقق مادی و فیزیکی دارد اطلاق می‌شود. میراث فرهنگی غیر ملموس و معنوی مجموعه‌ای مظاهری است که گرچه وجود مادی ندارد، اما جلوه‌های مادی آنها قابل درک و بررسی است.

میراث فرهنگی همچنین بر حسب نحوه انتقال آن‌ها بر دو گروه منقول و غیرمنقول قابل تفکیک است. میراث فرهنگی منقول، شامل اشیای باستانی و تاریخی و هنری است که در گنجینه‌های ملی و شخصی نگهداری می‌شود. میراث فرهنگی غیرمنقول، شامل تپه‌ها، محوطه‌ها، بناها، کتیبه‌ها، نقش برجسته‌ها، گورستان‌های باستانی، شهرها و بافت شهری است. این آثار قابل نقل و انتقال نیست و باید در محل خود حفظ و نگهداری شود، البته گاه ضرورت ایجاب می‌کند که با یاری گرفتن از فناوری برای حفاظت بهتر، برخی از این آثار به جایگاه‌های امن منتقل شود (توحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱).

میراث طبیعی؛ این میراث بر اساس کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (یونسکو، ۱۹۷۲، غنمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۱۲)، عبارت است از «آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست‌شناختی یا مجموعه‌ای از این نوع ترکیبات که از نظر زیبایی-شناسی یا علمی، اهمیت جهانی دارند. ترکیبات ارضی

و جغرافیایی طبیعی و مناطق کاملاً مشخص که زیستگاه حیوانات و منطقه‌ی رشد گیاهان مورد تهدید است و از نظر علمی و حفاظت دارای ارزش جهانی می‌باشند در این گروه قرار می‌گیرد. عرصه‌های طبیعی یا برخی مناطق مشخص طبیعی که به لحاظ علمی، حفاظت یا زیبایی طبیعی دارای ارزش جهانی است نیز جزء میراث طبیعی محسوب می‌شود».

میراث مشترک؛ در یک مجموعه قرار گرفتن آثار و بناهای دارای ارزش میراث فرهنگی با آن دسته از پدیده‌های طبیعی است که بر اساس ضوابط یونسکو میراث طبیعی به شمار می‌آیند (یونسکو، ۱۹۷۲، غنمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۱۲).

سابقه

در دهه‌های اخیر سازمان‌های متولی فرهنگ و طبیعت بر ضرورت حفاظت یکپارچه‌ی اهداف فرهنگی و طبیعی و همچنین توجه به ارزش‌های فرهنگی و معنوی در مدیریت و حفاظت محیط زیست تأکید کرده و در این راستا اقداماتی را به اجر در آورده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

اقدامات بین‌المللی

چنین به نظر می‌رسد اولین تلاش‌ها در این زمینه با ایده‌ی احداث ذخیره‌گاه زیستکره^۱ از سوی برنامه انسان و کره‌ی مسکون سازمان یونسکو (۱۹۶۰)، کنوانسیون میراث جهانی یونسکو در سال ۱۹۷۲ و لحاظ نمودن طبقه‌ی منظر حفاظت شده در طبقات مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت از طبیعت در سال ۱۹۷۸ جنبه‌ی فراگیر و حقوقی گرفت. علاوه بر این در بخش‌هایی از کنوانسیون صیانت از میراث معنوی نیز به این مهم توجه شده است (غنمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۱۱ و ۵۶۶؛ Cinnamon Pinon, 2007:6).

اقدامات منطقه‌ای

صندوق آثار تاریخی جهانی و بنیاد Howard Gilman در فلوریدای آمریکا (۱۹۹۶) در کنفرانس به سوی روش مشترک برای ارزیابی منابع فرهنگی و طبیعی گفتمانی را میان حفاظت فرهنگی و طبیعی بنیاد نهادند. در طول کنفرانس آشکار شد فرصت‌های برنامه‌ریزی حفاظت چندرشته‌ای به طور معمول نادیده گرفته شده و منابع مربوط به نواحی حفاظت شده نوعاً حاوی اطلاعات اندکی در خصوص فرهنگ‌هایی هستند که ارزش‌هایی را به محیط زیست اختصاص داده و همچنین در فهرست‌برداری‌های مکان‌های تاریخی اطلاعات مربوط به شرایط بوم‌شناختی محوطه‌ها حذف می‌شود. نتیجه این کنفرانس تنظیم سندی با عنوان موافقت‌نامه‌ی یولی^۲ برای انتشار عمومی بود که اهداف مشترک در هر دو زمینه‌ی حفاظت میراث طبیعی و میراث فرهنگی را دنبال نموده و موضوع حمایت یکپارچه از محیط زیست طبیعی و انسان ساخت را به عنوان مفاهیمی جدید در حمایت از عرصه‌های دارای منابع توأم فرهنگی و طبیعی مورد تأکید قرار گرفت (Whiteoak, 2007:7).

۱. ایده‌ی اصلی احداث ذخیره‌گاه زیستکره به برنامه‌ی انسان و کره‌ی مسکون باز می‌گردد. این برنامه به منظور ترویج بهره‌برداری خردمندانه از منابع طبیعی و برقراری تعادل بین روابط انسان با محیط بر اساس داده‌های علمی و اجتماعی توسط یونسکو ارائه شده است. براساس تعریف ارائه شده از سوی برنامه فوق ذخیره‌گاه زیستکره عبارت است از آن دسته از نواحی خشکی و یا ساحلی که پرداختن به آن شناخت‌های علمی را بارورتر نموده و در توسعه پایدار و انسانی مطالعه‌ی آن‌ها سودمندتر باشد. از این رو یک ناحیه برای این که به عنوان یک ذخیره زیستکره در نظر گرفته شود قرار داده شود باید دارای اهمیت فرهنگی و بوم‌شناختی برخوردار بوده و باید دارای ساختار قانونی جهت تضمین حمایت آن‌ها باشد (Cinnamon Pinon, 2007:6).

کنواسیون منظر اروپایی در سال ۲۰۰۴ م. با هدف توسعه و حمایت از سیاست‌های یکپارچه در زمینه‌ی طرح‌ریزی زیست محیطی و منظر، برنامه‌ریزی فضایی و پیشگیری و مدیریت سوانح طبیعی را در قالب دورنمایی از توسعه‌ی پایدار به مرحله‌ی اجرایی وارد کرد. این کنواسیون اصول قانونی را به عنوان مبنایی برای اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای برای حفظ کلیه‌ی مناظر در سطح اتحادیه‌ی اروپا فراهم آورد؛ به این معنا که مانند کنواسیون میراث جهانی تنها به بررسی مناظر منحصربه‌فرد جهانی نمی‌پردازد و به دنبال دستیابی به توسعه‌ی پایدار بر مبنای یک رابطه‌ی متعادل و هماهنگ میان نیازهای اجتماعی، فعالیت اقتصادی و محیط زیست است (Dejeant-pons, 2005: 1-19).

کمیته‌ی مشورتی سیستم نواحی حفاظت شده دریایی پیشنهادهایی را برای مدیریت یکپارچه‌ی میراث فرهنگی در نواحی طبیعی با استفاده از رویکرد منظر فرهنگی فراهم کرده است. این کمیته همچنین به منظور ثبت ملی آثار تاریخی و فرهنگی در نواحی حفاظت شده دریایی نیز معیارهایی ارائه نمود (MPAFAC³, 2011: 19).

وزارت فرهنگ استونی از سال ۲۰۰۵ م. کارگروه میان‌رشته‌ای متشکل از باستان‌شناسان، متخصصان طبیعت و متخصصان فرهنگ‌های بومی را با هدف تهیه‌ی برنامه حفاظت عرصه‌های طبیعی تاریخی مقدس ایجاد نمود و در سال ۲۰۰۸ م. طرح حفاظت از عرصه‌های طبیعی را با هدف حمایت از میراث مادی و معنوی، بررسی کرد و در این راستا به نقشه‌سازی عرصه‌های طبیعی مقدس، حمایت از سازمان‌دهی مکان‌های مقدس و افزایش آگاهی از مفهوم و اهمیت عرصه‌های طبیعی مقدس پرداخت. در ادامه ضمن ایجاد پایگاه داده برای عرصه‌های طبیعی مقدس به تهیه روش‌شناسی، نقشه‌سازی و فهرست‌برداری عرصه‌های مذکور پرداخت (Kaasik, 2012: 67).

در برخی کشورها، سیاست نواحی حفاظت با توجه به ارزش‌های فرهنگی این مناطق طراحی و مدیریت شوند؛ برای مثال در انگلستان پارک‌های ملی، مناظر انسان ساخت را که اغلب با هنر و ادبیات در ارتباط هستند را در قالب مناظر فرهنگی حفاظت می‌کنند. مشارکت فعال میراث ناملموس (احساس تعلق مردم که از طریق زبان، مثل‌ها، نام اماکن، تاریخ، افسانه‌ها و سنن عامیانه بیان می‌شود) به وضوح محوریت ارزش‌های فرهنگی را در اقدامات حفاظت نشان می‌دهد (Infield & Mugisha, 2010: 9).

اقدامات مرتبط با عرصه‌های طبیعی دارای ارزش معنوی

عرصه‌های طبیعی با ارزش معنوی را می‌توان از نخستین گام‌های بشر جهت حفاظت از محیط زیست به حساب آورد که ضمن نفوذ در فرهنگ‌های محلی و نظام‌های اعتقادی سنتی با ایجاد محدودیت بر دسترسی و بهره‌برداری از این عرصه‌ها، موجب کاهش و گاه حتی مانع دخالت انسانی در نواحی طبیعی شده‌اند (Otegui, 2008: 20).

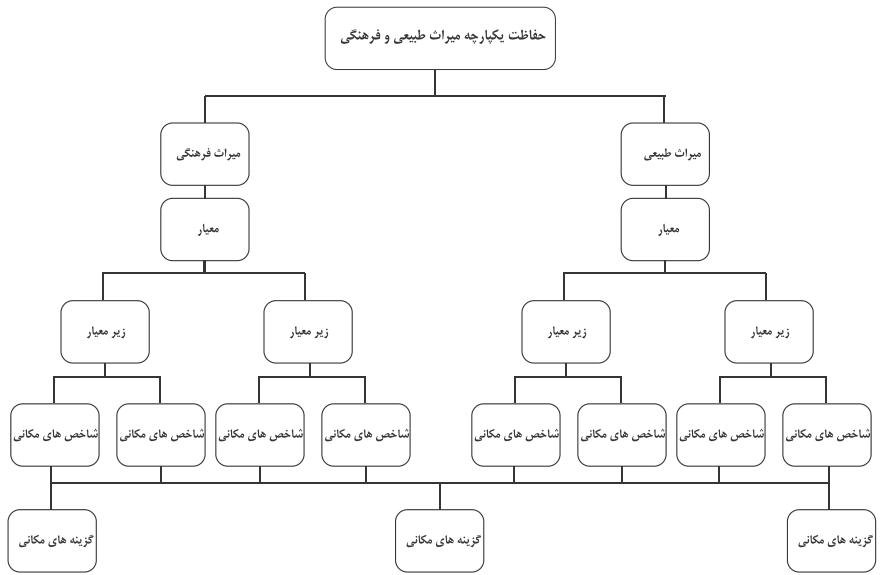
بر اساس رهنمود سازمان جهانی حفاظت از طبیعت (آی. یو. سی. ان) این نواحی که می‌توانند دارای یادمان‌ها یا بناهای انسان‌ساخت نیز باشند ارزش حفاظتی مناطقی را که به سبب ارزش‌های بوم‌شناختی انتخاب می‌شوند، ارتقاء می‌بخشند. چنین مناطقی حتی می‌توانند آرامگاه پیامبران، قدیسان، پارسیان، -

3. MPAFC: Marine Protected Areas Federal Advisory Committee

– رهبران روحانی، گورستان‌های باستانی و مکان‌هایی مانند مسجد، صومعه، کنیسه و معابد را نیز شامل شود (Wild & McLeod, 2008: 5). چنین عرصه‌هایی به دلیل خصوصیت دوگانه خود در حمایت از طبیعت و حفظ تاریخ بسیار مهم هستند و از این قابلیت برخوردارند که به عنوان الگویی در ارتقاء مدیریت زمین، منابع طبیعی و حفظ هویت فرهنگی مورد استفاده قرار گیرند (Verschuren, 2007:60).

بسیاری از این عرصه‌ها به دلیل زیبایی مورد توجه قرار می‌گیرند و همین امر تا حدودی موجب شده است که ارزش‌ها و قدرت معنوی را به آن‌ها نسبت دهند. بسیاری از جوامع، حتی فرهنگ‌ها و عقایدی که امروزه از طبیعت فاصله گرفته‌اند، حداقل تا حدودی نگاه احترام-آمیز خود را نسبت به پدیده‌های طبیعی از طریق این عرصه‌ها حفظ کرده‌اند (Wild & McLeod, 2008:9).

عرصه‌های طبیعی معنوی گاه با چالش‌هایی نیز در زمینه‌ی شناسایی، حفاظت و مدیریت روبرو بوده و خطرات جدی نظیر تغییر کاربری اراضی، رشد جمعیت، فقر، توسعه شهری، معدن‌کاری، تخریب اراضی گورستان‌ها و محوطه‌های باستان‌شناختی، توسعه‌ی کشاورزی و جنگل‌کاری آن‌ها را تهدید می‌کند (Dudely et al., 2009:1). با این وجود اطلاعات اندکی در خصوص تعداد، پراکنش، جوامع مالک یا مدیریت‌کننده عرصه‌ها، وضعیت حفاظتی، رویکردهای مدیریتی، جایگاه قانونی، تهدیدات و خصوصیات طبیعی، فرهنگی و معنوی وجود دارد. چنین خلایبی مانع برنامه ریزی، حفاظت و مدیریت پایدار این عرصه‌ها می‌گردد و بسیاری از این عرصه‌ها پیش از آن‌که شناخته یا ثبت شوند نابود می‌گردند.



شکل ۱: مراحل روش‌شناسی حفاظت یکپارچه میراث فرهنگی و طبیعی

در واکنش به این خلأ اطلاعاتی، کارشناسان شرکت‌کننده در پنجمین کنگره‌ی جهانی نواحی حفاظت شده در سال ۲۰۰۳ م. و دیگر اجتماعات مشابه به کرات بر سودمندی ثبت جهانی این عرصه‌ها تاکید کرده‌اند. اما این اقدام نیازمند ابزار و روش‌شناسی‌های مناسب از مشاوره و موافقت‌نامه تا معیارها و سنجه‌های^۴ طبقه‌بندی شده است (Oviedo & Otegui, 2008:1-2).



مطالعات موردی

در برنامه‌ریزی عرصه‌های طبیعی مقدس برای طرح‌ریزی پارک ملی تیکال گواتمالا اهداف فرهنگی (ملموس و ناملموس) دخالت داده شد. برای این منظور روش‌شناسی ۵ مرحله‌ای با لحاظ نمودن سه هدف تنوع زیستی، فرهنگی ملموس و ناملموس به اجرا درآمد (Secaria & Molina, 2006: 75).

در کشور مکزیک روش‌شناسی بر مبنای تجزیه و تحلیل نوع سازگان‌ها و زیستگاه برای ثبت عرصه‌های طبیعی مقدس توسعه یافته است. در مرحله‌ی بررسی پراکنش عرصه‌های طبیعی مقدس به منظور نقشه‌سازی در سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی از دو فیلتر ضخیم و نازک استفاده شد که هر کدام دربرگیرنده‌ی معیارهایی هستند. فیلتر ضخیم، دربرگیرنده‌ی معیارهای کلیدی است که در عرصه‌ی مورد مطالعه به کار می‌رود، تمرکز این فیلتر بر عرصه‌های طبیعی مقدسی است که از هر دو خصوصیت غنای فرهنگی - معنوی برخوردارند برای انعکاس بهتر این معیار از اطلاعات نواحی با غنای زیستی، مناطق مردم بومی و سنتی، مکان‌های زیارتی و مناطق حفاظت شده بهره‌گیری شد. در فیلتر نازک از معیارهایی مانند میزان حفاظت از عرصه‌های طبیعی مقدس، پراکنش مکانی دارایی‌های فرهنگی (شامل پدیده‌های فیزیوگرافیکی مانند کوه‌ها، پهنه‌های آبی، غاره و گونه‌های فون و فلور مقدس) و راه‌های زیارتی برای نقشه‌سازی استفاده شد (Oviedo & Otegui, 2008: 2 Otegui, 2007: 5).

در پژوهشی برای حفاظت از میراث جهانی در ناحیه‌ی چیکتوز^۵ کشور بولیوی از سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی استفاده شد. این ناحیه شامل ۱۰ روستا در زمین‌های پست ناحیه‌ی گرمسیری بولیوی است که قدمت آن‌ها به قرن ۱۶ و ۱۷ م. باز می‌گردد. این روستاها به دلیل وجود سکونتگاه‌ها و کلیساهای مبلغان مسیحی که در زمان اشغال این کشور از سوی اسپانیا احداث شده از اهمیت برخوردارند. این پژوهش با هدف حفاظت یکپارچه از میراث فرهنگی و طبیعی صورت آزمایشی در یکی از روستاهای مذکور به اجرا درآمد. برای ایجاد مدل فضایی در سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی دو دسته از اطلاعات ماکرو (رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، راه‌های درون استان) و میکرو (بلوک‌ها، پارسل‌ها، درختان و راه‌های قدیمی) مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعه همچنین ارزش‌های ناملموس محوطه (زیبایی‌شناختی، بهره‌برداری و یادگاری)، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای بازسازی راه‌های قدیمی که بومیان از آن برای استخراج منابع طبیعی استفاده می‌کردند، احیا گونه‌های گیاهی که در تأمین الوارهای ساخت کلیساها کاربرد داشتند و ایجاد محوطه‌های باستانشناختی مورد توجه قرار گرفته است (Schutte, 2004: 3, 9-10).

در کشور سوئد مطالعه‌ای با عنوان ایجاد دورنمای مشترک در مدیریت میراث به منظور در نظر گرفتن میراث فرهنگی در فرایند ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌ای توسعه صورت گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد نویسنده یا مخاطب ارزیابی اثرات هیچ راهنمایی برای تعیین ارزش‌های فرهنگی در مقیاس بزرگ دریافت نمی‌کند و این ارزش‌ها تنها در قالب محوطه‌های باستانشناختی و نواحی تحت مدیریت در نظر گرفته می‌شود. بنابراین منظر و ابعاد فرهنگی آن و پدیده‌های طبیعی به ندرت در فرایند ارزیابی اثرات دخالت داده می‌شوند، که علت آن را می‌توان در نبود متخصصانی دانست که در هر دو زمینه طبیعت و فرهنگ تبحر داشته باشند. این مطالعه در ادامه به بررسی روش یک‌پارچه‌سازی

اهداف میراث فرهنگی و طبیعی در برنامه‌ریزی پروژه‌های زیربنایی از جمله حمل و نقل می‌پردازد که از سوی وزارتخانه راه این کشور با عنوان اهداف و اقدامات برای ارزش‌های فرهنگی و طبیعی توسعه یافت (Lisitzin, 2005:32).

رویکرد و روش بررسی

رویکرد: با توجه به آن‌چه در ابتدای این بحث آمد چنین نظر می‌رسد که مدیریت پایدار تنها با اتخاذ رویکردی جامع‌نگر امکان‌پذیر می‌باشد و این دیدگاه با توسل به رویکرد سیستمی قابل انجام است که از طریق آن تمام اجزا و فرایندهای بوم‌سازگان مورد توجه قرار داده می‌شود. طرح‌ریزی سیستمی را می‌توان رویکردی سازمان‌یافته در برنامه‌ریزی کلان به حساب آورد. بدیهی است این طرح‌ریزی باید با توجه به ویژگی‌ها و شرایط حاکم در هر کشور که حاصل شرایط زیست‌محیطی، بافت تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است صورت پذیرد (دیوی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۲).

فرایند تجزیه و تحلیل سیستمی اکوسیستم‌ها نیز سلسله‌ی اقداماتی را در برمی‌گیرد که پس از انجام منجر به شناخت و درک سیستم اکولوژیک بر مبنای یک رویکرد کل‌گرا می‌گردد. بدین ترتیب، وضع موجود سیستم، شناسایی و نقاط ضعف و قوت آن آشکار می‌شود. آنگاه وضع مطلوب سیستم با تأکید بر رفع نقاط ضعف و تقویت قوت‌ها ترسیم می‌گردد. فرایند تجزیه و تحلیل سیستمی شامل چهار مرحله به شرح زیر است (محمد رضایی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۰۹):

تدوین شکل مفهومی مدل: هدف از این مرحله تدوین یک مدل مفهومی یا کیفی است. در این مرحله بر اساس اهدافی که از تجزیه و تحلیل سیستمی موردنظر است تصمیم‌گیری می‌شود که کدام اجزای واقعی در مدل قرار گیرد و ارتباط این اجزا چگونه برقرار شود.

کمی کردن مدل: هدف این مرحله، تدوین یک مدل کمی از هدف مطالعه است. این کار با ترجمه مدل مفهومی صورت می‌گیرد. به طوری که مدل مفهومی که به کمک نمودار و کلمات نمایش داده می‌شود به یک مجموعه معادله‌های ریاضی تبدیل می‌شود.

ارزیابی مدل: در این مرحله، سودمندی مدل در تأمین اهداف تجزیه و تحلیل سیستمی ارزیابی می‌شود و تأکید بر مقایسه پیش‌بینی‌های مدل با مشاهدات واقعی است. این مشاهدات در واقع تنها معیار ارزیابی به شمار می‌روند.

کاربرد مدل: در این مرحله به پرسش‌های مطرح در آغاز تجزیه و تحلیل سیستمی پاسخ داده شده و نتایج شبیه‌سازی به کمک همان شیوه‌هایی که در مورد نتایج واقعی به کار می‌رود، مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار داده می‌شود. با توجه به رویکرد یادشده مدل مفهومی حفاظت یکپارچه‌ی میراث طبیعی و فرهنگی به شرح شکل ۱ است.

روش بررسی

ارزیابی چند معیاره، یکی از شیوه‌های تصمیم‌گیری است که بر پایه‌ی رویکرد سیستمی صورت می‌گیرد. این روش ضمن سهولت به کارگیری معیارهای مختلف برای تصمیم‌گیری‌های مکانی در محیط زیست نیز از کارایی زیادی برخوردار است. تمام توسعه‌ها و تغییرات به روش‌هایی برای ارزیابی خود نیاز دارند. تمام اندیشه‌های جدید و انواع تصمیمات باید بر مبنای معیارهای بسیاری ارزیابی شوند.

بسیاری از پژوهشگران متذکر شده‌اند در فرایند تصمیم‌گیری لازم است که بتوان اثرات تغییر فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، قانونی، جمعیتی، اقتصادی، زیست‌محیطی، دولتی و فناوری را در نظر گرفت. این فنون به دنبال حل موضوعات مغایر اجتماعی، زیست‌محیطی، سیاسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری مدرن هستند. علی‌رغم وجود روش‌های مختلف تصمیم‌گیری چندمعیاره، ایده‌ی اولیه‌ی این روش‌ها بسیار ساده و شامل مجموعه‌ی اقدامات محدود یا نامحدود (گزینه‌های جایگزین، راه‌حل‌ها، خط‌مشی‌های اقدامات)، وجود حداقل دو معیار و یک تصمیم‌گیر است. این عناصر ابتدایی مشخص در تصمیم‌گیری چندمعیاره به تصمیم‌گیر در زمینه‌ی انتخاب، رتبه‌بندی یا مرتب کردن اقدام کمک می‌کند (Turkis et al, 2009:7). از جمله کاربردهای آن در تصمیم‌گیری‌های مکانی محیط‌زیستی می‌توان به پژوهش‌های حدادی‌نیا (۱۳۸۷) در شناسایی نواحی مناسب اکوتوریسم در شهرستان خاتم استان یزد، مطالعه‌ی سیاسی (۱۳۸۷)، در پهنه‌بندی جزیره‌ی هنگام برای حفاظت و گردشگری و پژوهش اردکانی (۱۳۸۶) در شناسایی پهنه‌های مناسب گردشگری ساحلی در خلیج چابهار و مطالعه‌ی شریفی (۱۳۸۷) در شناسایی پهنه‌های مناسب حفاظت در جنگل‌های خزری اشاره نمود.

ارزیابی چندمعیاره‌ی مکانی مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره با داده‌های مکانی می‌باشد. این روش نوع فضایی مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است و سیستم اطلاعات جغرافیایی را قادر می‌سازد تا عمل تجزیه و تحلیل داده‌ها را انجام دهد (حدادی‌نیا، ۱۳۸۱:۱۱). برای انجام ارزیابی چندمعیاره در گام نخست با توجه به اهداف مورد نظر باید معیارهای مناسب جمع‌آوری شود؛ سپس از طریق روش‌های موجود مانند روش دلفی یا تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) می‌توان اولویت معیارهای و زیرمعیارها را براساس وزن و اهمیت نسبی تعیین نمود و در ادامه با تلفیق وزن‌ها طبق رابطه‌ی ۱ می‌توان به مدل خطی دست یافت که از آن در سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی برای مکان-یابی استفاده می‌شود (مالچفسکی، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

$$M = \sum n_i i_j z_i - 1$$

در این رابطه M ، مدل خطی ترکیب معیارها، i ، معیار i ام و z_i ، وزن معیار i ام است.

آنچه برای نخستین بار در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است، تهیه‌ی مدل خطی از مشارکت معیارهای حفاظت از عرصه‌های طبیعی و حفاظت از ارزش‌های فرهنگی در طبیعت است. بررسی صورت گرفته در ایران که به طور نمونه برای شهرستان نیشابور تدوین شد، ۱۲ معیار را که هر دو هدف را تعیین می‌نمود مورد شناسایی قرار داد که به شرح زیر در مدل خطی مکان‌یابی مشارکت نمودند (کبیری‌هندی، ۱۳۸۹)

$$CNS^6: 0.0625A + 0.0928B + 0.0613C + 0.0584D + 0.0670E + 0.1068F + 0.1125G + 0.1084H + 0.1040I + 0.0550J + 0.0813K + 0.09L$$

در این رابطه A : قلمروهای جغرافیایی با ارزش فرهنگی، B : قلمروهای جغرافیایی با ارزش طبیعی، C : گونه‌های معین گیاهی و جانوری، D : اهمیت حفاظتی تنوع زیستی، E : سیماهای طبیعی منحصر به فرد، F : حمایت قانونی، G : سیمای سرزمین با ارزش فرهنگی، H : دارایی‌های فرهنگی ناملموس، I : دارایی‌های فرهنگی ملموس و J : وابستگی اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تجربیات جهانی و فرضیه‌ی که به منظور یافتن الگوی برای مدیریت یکپارچه‌ی میراث طبیعی و فرهنگی در کشور دنبال شد به نظر می‌رسد فصل مشترک لازم میان هر دو دسته از معیارها در طبیعت واسطه‌ی وحدت مکانی وجود دارد. چنین دستاوردی توسط تلاش‌های (Otegui و Oviedo 2008) در کشور مکزیک، (Diggs و Brunswig 2008) در کشور آمریکا، همچنین (2005) Molina و Secaria در پارک ملی تیکال گواتمالا تجربه شده است. تجربه‌ی ایران (کبیری‌هندی، ۱۳۸۹) نیز توانست معیارهای مشترکی در این ارتباط تدوین نماید و اثربخشی معیارهای مکانی شناسایی شده را در شناسایی پهنه‌هایی نشان دهد.

به نظر می‌رسد فقدان یک طبقه‌ی حفاظتی در طبقات مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست که حمایت از عرصه‌ی باارزش فرهنگی در طبیعت را مورد توجه قرار دهد، می‌تواند بر این کاستی در مدیریت پایدار ارزش‌های فرهنگی طبیعت فائق آید. در حال حاضر ۴ طبقه‌ی مدیریتی شامل پارک ملی، اثر طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و منطقه‌ی حفاظت شده از طبقات مدیریتی مناطق تحت حمایت سازمان حفاظت محیط زیست است که مطابق قانون مدیریت می‌شوند. ارتقای طبقه‌ی اثر طبیعی ملی به طبقه‌ی اثر طبیعی - فرهنگی می‌تواند ضمن ارتقای مناطق تحت حفاظت سازمان محیط زیست کشور، پشتوانه‌ی حفاظتی مناسبی برای حمایت از عناصر و عرصه‌های باارزش فرهنگی در دامن طبیعت ایران فراهم آورد.

بدیهی است با ایجاد این طبقه‌ی مدیریتی جدید، بسیاری درختان دیرزیست، چشمه‌ها و تخته‌سنگ‌های حائز اهمیت معنوی و در مجموع تمام پدیده‌های طبیعی باارزش فرهنگی از پشتوانه‌ی قانونی برای مراقبت و نگهداری برخوردار خواهند شد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اردکانی، طاهره، ۱۳۸۶، «تعیین توان و برنامه گردشگری پایدار در خلیج چابهار»، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
۲. توحیدی، فایق، ۱۳۸۱، «آشنایی با میراث فرهنگی انتشارات سازمان میراث فرهنگی»، گردشگری و صنایع دستی تهران.
۳. تومه، ژورژ، ۱۳۸۰، «توسعه فرهنگی و محیط زیست»، ترجمه محمد شارع پور. انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
۴. حجت، مهدی، ۱۳۸۰، «میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی». سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.
۵. حدادی نیا، سمیه، ۱۳۷۸، «پهنه‌بندی گردشگری متکی به طبیعت مبتنی بر معیارهای زیست‌محیطی»، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.
۶. دیوی، آدریان فلیپس، ۱۳۸۷، «طرح ریزی سیستم ملی برای مناطق حفاظت شده»، مترجم ه، مجنونیان و ح، گشتاسب. آموزشکده محیط زیست، کرج.
۷. سپاسی، یگانه، ۱۳۸۷، «طرح‌ریزی محیط زیستی جزیره هنگام برای حفاظت و گردشگری با ارزیابی چندمعیاره مکانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
۸. شریفی، نغمه، ۱۳۸۷، «تدوین معیارهای زیست محیطی برای گزینش لکه حفاظتی در جنگل‌های خزری»، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
۹. غنمی، امید، صمدی، یونس و چراغی، سوسن، «مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معادلات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری»، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۱۰. کبیری‌هندی، مریم، ۱۳۸۹، «ارزیابی سرزمین برای حفاظت از عرصه‌های طبیعی دارای ارزش معنوی»، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
۱۱. مالچفسکی، یاجچیک، ۱۳۸۵، «سامانه اطلاعات جغرافیایی و تحلیل تصمیم چندمعیاری»، ترجمه پرهیزگار، ا و ع، غفاری گیلانده. انتشارات سمت، تهران.
۱۲. محمد رضایی، شهریار، ۱۳۸۸، رویکرد سیستمی به تجزیه و تحلیل اکوسیستم‌ها. چ دوم. انتشارات آبیژ، تهران.

13. Cinnamon Pinon, Carlane.2007. Putting the "and" back in the culture-nature debate: integrated cultural and natural heritage protection. UCLA Journal of Environmental Law & Policy, 25: 1 Page: 153(71).

14. Conference Report towards a Common Method for Assessing Mixed Cultural and Natural resources.1998. The Howard Gilman Foundation and the World Monuments Fund, White Oak Plantation, Florida.

15. Dejeant-Pons, M.2005. The European Landscape Convention. Forum UNESCO University and Heritage 10th International Seminar "Cultural Landscapes in the 21st Century" Newcastle-up-

on-Tyne.

16. Diggs, D.M and R., Brunswig. 2007. Modeling Native Sacred Sites in Rocky Mountain National Park, Proceedings of Esri User Conference, USA, Greely, 10p

17. Dudley, N and Sue Stolton, 2009. The Protected Areas Benefits Assessment Tool, A methodology. WWF World Wide Fund for Nature, International Union for Conservation of Nature and Natural Resources, Switzerland, Gland.

18. Infield, M and A, Mugisha.2010. Integrating Cultural, Spiritual and Ethical Dimensions into Conservation Practice in a Rapidly Changing World, MacArthur Foundation Conservation White Paper Series: 39.

19. Jopela, A. 2011. (Forthcoming). Traditional Custodianship: a useful framework for heritage management in southern Africa? Special issue of Conservation and Management of Archaeological Sites on "Archaeological site management in sub-Saharan Africa, p: 28.

20. Kammeier, H. 2008. Managing cultural and natural heritage resources: part 1 – from concepts to practice. City & Time 4 (1): 1, 13p. available at: <http://www.ct.ceci-br.org>.

21. Kassik, A. .2012. Conserving sacred natural sites in Estonia. In: Maria-Mallarach, J; T,Papayanis and R,Väisänen(Eds), Proceedings of the Third Workshop of the Delos Initiative – Inari/Aanaar **2010.** Gland, Switzerland: IUCN and Vantaa, Finland: Metsähallitus Natural Heritage, 61-73.

22. Lisitzin, K.2005. BUILDING SHARED PERSPECTIVES IN HERITAGE MANAGEMENT, City & Time 1 (3): 3, 29-36. [online] URL:<http://www.ct.ceci-br.org>

23. MPA Federal Advisory Committee .2011. Recommendations for Integrated Management Using a Cultural Landscape Approach in the National MPA System, Marine Protected Areas Federal Advisory Committee.

24. Otegui, m.2007. Developing and Testing a Methodology and Tools for the Inventorying of Sacred Natural Sites of Indigenous and Traditional Peoples, Pronatura Mexico/ The Rigoberta Menchu Tum Foundation In Collaboration with: IUCN-the World Conservation Union, Gland, 107p.

25. Oviedo, G. and M, Otegui, .2008. Sacred Natural Sites of Indigenous and Traditional Peoples in Mexico. International Journal of Wilderness, 14: 29-35.

26. Papayanis,T and T,Sorotou.2009. Nature and Anthropos. **Proceedings of the 2009** George Wright Society Conference Cultural and natural values of wetlands: towards an integrated approach The Mediterranean Institute for Nature and Anthropos (Med-INA), in co-operation with the Society for the Protection of Prespa and MedWet, Pyli , Greece

27. Schutt,R and P, Finot. 2004. The use of GIS for the protection of world heritage. Msc Thesis of International Development

studies of Brandenburg Technical University (BTU).

28. Secaira, E and M, Molina.2006. Planning of sacred natural sites in the context of protected areas: an adaptation of a methodology for biodiversity and lessons from its application in the highlands of Western Guatemala, Proceedings of the Tokyo Symposium. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO), Paris PP: 73-79.

29. Turskis1, Z; E, Zavadskas1 and F, Peldschus. 2009. Multi-criteria Optimization System for Decision Making in Construction Design and Management. 1392-2785 ENGINEERING ECONOMICS, No 1 (61)

30. Verschuuren, B.2007.Believing is seeing. Foundation for Sustainable Development- Earth Collective in Collaboration with: IUCN, Gland.

31. Wild, R and C, McLeod (Editors).2008. Sacred Natural Site Guidelines for Protected Area Managers .IUCN, Gland and UNESCO, Paris.